

اطلاعیه شماره ۱۱

کمیسیون مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری

خز عبات فرشید فریدونی

در صفحات فیسبوک کمیسیون و خودش

شاید تکرار این موضوع قبل از هر چیز باز هم ضروری باشد که «کمیسیون مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری» یک تشکیلات نیست و به طور مستعمر فعالیت ندارد. این کمیسیون بر حسب نیاز - هر بار از افراد مختلف در آن - تشکیل شده و به مسأله‌ای که به طور غیراصولی، غیر دموکراتیک و نتیجتاً بوروکراتیک و طبیعتاً غیرانقلابی نسبت به کسی از طرف گروه‌ها و عناصر خرده‌بورژوا و عملاً ضدانقلابی پیش آمده، می‌پردازد و نیز در صورت لزوم اطلاعیه در رابطه با موضع و یا برخورد عناصر و جریاناتی که به نوعی یا خود را روشنفکر یا در سیاست فعال و صاحب نظر می‌دانند، بیرون می‌دهد. این کمیسیون جمعی است که باید بتواند درون هر تشکیلات/حزب/سازمان کمونیستی فقط از طرف آنانی که مورد اجحافات تشکیلاتی از طرف رهبری قرار می‌گیرند، ساخته شود.

این اطلاعیه نیز در رابطه با فردی است به نام فرشید فریدونی که خود را از نظر دانش برتر از دیگران دانسته و کتاب‌ها و سخنرانی‌های بسیاری هم دارد

که از محتوا تهی بوده و خواننده -بویژه نیروهای انقلابی کارگری- را می‌تواند از نظر آگاهی به بن بست برساند. تحلیل از مطالب او را ما مجبوریم به نوشته‌ی دیگری موکول کنیم، زیرا این اطلاعیه ظرفیت مقاله انتقادی را ندارد و هدف در این اطلاعیه این است که پایگاه طبقاتی و ماهیت و شخصیت این فرد به اصطلاح دانشمند -که جدا از شخصیت اجتماعی اش هم نیست- تا مدت یا روش و کارکرد ضدانقلابی اش در حد و حدود این اطلاعیه برای نیروهای انقلابی سوسیالیست/کمونیست روشن کنیم.

چندی پیش، رفیقی برای بازگو کردن مجموعه‌ای از حقایق نیاز به کمک داشت، از طریق جلسات با این کمیسیون، متن و نوارهای صوتی او تهیه شد که در صفحه فیسبوک «کمپسیون» و صفحات دیگر قرار گرفت و پخش شد. به ناگاه این فرد -فرشید فریدونی- که هیچ ربطی به موضوعات مطرح شده در نشست‌های «کمپسیون» با این رفیق را نداشت، این پست را در صفحه فیسبوک خود به نام «آرمان و اندیشه» تقسیم کرده و به این رفیق، حملات دروغین، توهین آمیز و افترا آمیز وارد نمود. مثالی از لحن و طرز بیان او به این قرار است: «من در طول ۴۳ فعالیت سیاسی آدم کثافت زیاد دیده ام، اما تو روی همه آن‌ها را سفید کرده ای. از آن جا که به غیر از یک کله ی پوک چیز دیگری نداری، باید برای دیگران پادویی و خایه مالی کنی! بنابراین شکوه نکن و دروغ نه باف!» یا در جایی که این رفیق اعتراض می‌کند که چرا به او «پادو» و «کتیف» گفته با کمال وقاحت اظهار می‌دارد که «فقط پادو و کتیف نگفتم، کله پوک هم گفتم.»!! این است فرهنگ و طرز «انتقاد» کردن این «دانشمند»! ظاهراً این روش لمپنیستی حاصل مغز کوچک و کم ظرفیت فرشید فریدونی است که پس از نزدیک به ۷ سال هنوز نه تنها نتوانسته پرداخت هزینه سفرش را به این سمینار و شکست مناظره اش را فراموش کند، بلکه یادش

مانده که رفیقی کرایه تاکسی رفیق دیگری را پرداخته کرده، اما کرایه تاکسی فرشید فریدونی را نپرداخته است! لذا می گوید «به این دلیل که تو خیال می کنی، مسئله ی من با تو و امثال تو بر سر ۱۵ یورو است...» و ادامه می دهد «مسئله این جا سوسیال داروینسم یعنی نوعی از فاشیسم است که به حذف مخالفان جهت بقای سیاسی می انجامد.» جالب اینجا است که فرشید فریدونی معتقد است که مسأله ی مادیات نیست «بلکه محتوایی و تئوریک...» است. به عبارت دیگر، الفاظی مانند پادو، کثیف، کله پوک و خایه مال از ادبیات فلسفی ایشان در بحث های فلسفی-سیاسی می باشد! و ایشان رهنمود خواندن مطالبش را نیز با شماره جلد و محل هم می دهد! او به قدر مسخ افکار و تبلیغات بورژوازی است که فراموش می کند که مثالی است معروف که می گوید «از کوزه همان طراوت که در اوست!»

از آنجایی که این جدال کتبی چند روزی به طول انجامید، موقعیت مناسبی شد تا فرشید فریدونی ماهیت خود را به عنوان یک فرد سیاسی روشنفکر خرده بورژوا به وضوح نمایان سازد. این کمیسیون به این دلیل این اطلاعیه را بیرون می دهد که این شخص ضمن کثیف ترین توهین ها به این رفیق، سعی نمود تا از موضع بورژوایی ارتجاعی، تمام ایدئولوژی های خرده بورژوایی را با دیدگاه های علمی و انقلابی در یک کیسه کرده و به تمسخر بگیرد. از اینرو، این کمیسیون لازم دید که جواب این شخص را در اطلاعیه ای همگانی کرده و ماهیت سیاسی و شخصیت این فرد را برای نیروهای پیشروی کارگری و انقلابی باز نماید تا شکی در اینکه فرشید فریدونی در جبهه ی سرمایه علیه کار ایستاده است، ایجاد نشود.

به طور خلاصه داستان این طور شروع شد که فرشید فریدونی زمانی که پُست ما را در فیسبوک خود می‌گذارد، برای انتقاد از رفیق مورد نظر ما و سرکوبِ کوشش او در زمینه‌ی افشاگری‌اش، ابتدا به ساکن، موضوع را به سمینار ۲۰۱۳ «گرایش مارکسیست‌های انقلابی» که در آن فرشید فریدونی هم دعوت به مناظر سیاسی شده بود، ربط داده و اولین چیزی را که مطرح می‌کند، این است که او به خرج خودش در این سمینار شرکت کرد. گویی سمینار می‌بایستی خرج رفت و آمد او را تأمین می‌کرده، اما نکرده و او را گول زده است (در حالی که در آن سمینار همه مخارج رفت و آمد خویش را خود پرداخت کردند) و فرشید فریدونی این رفیق را که در آن زمان برای اجرای مراسم سمینار به کمک «گرایش مارکسیست‌های انقلابی» شتافته بود، مسئول قلمداد کرده و با توهین، دروغ و افترا کوشید تا روشنگری‌های این رفیق را در باره‌ی «گرایش مارکسیست‌های انقلابی» در پُست مورد نظر خدشه‌دار کند و برای این منظور همه‌ی جریان‌ات چپ سنتی و گرایش‌ات انقلابی را در یک کفه‌ی ترازو قرار می‌دهد و می‌گوید «به این معنی که تمامی جریان‌های بلشویست شرط بقای سیاسی خود را در انهدام رقبای خود می‌بینند» و مدعی است که «... و از همین بابت نیز به پرونده‌سازی، تخطئه و فحاشی روی می‌آورند.»

از جمله‌ی بالا این نتیجه را می‌گیریم که فرشید فریدونی با توهین و فحاشی رفیقی را به اصطلاح نصیحت می‌کند که دست از روشنگری از آموخته‌های خود کشیده و این اطلاعات را در اختیار نیروهای پیشرو و انقلابی نگذارد. این در حالی است که در دو نواری که کمپسیون از این رفیق تهیه کرد، هرگز از لحنی توهین‌آمیز نسبت به کسی استفاده نشده است. شاید نقل قول از کسی که

با بددهنی سعی در تخطئه کردن واقعیت داشته یاد شده باشد (مثل هم اکنون و مورد خود آقای فریدونی)، اما از طرف این رفیق یا کمیسیون هرگز برخورد توهین آمیز به کسی نشده است.

فرشید فریدونی در این حد بسنده نکرده و در مقابل پاسخ های کوبنده این رفیق، پای فرد دیگری را هم به میان می کشد و می گوید «این را برایت ارسال می کنم زیرا تو خودت هم نمی دانی که چه هجویاتی گفته ای. در زمان ۱۴:۴۹ می گویی که به دوستی که از پاریس آمده بود، یعنی بهروز فرهانی ۱۵ یورو پول دادی.» و «...و به من ندادی!» در حالی که حقیقت در نوارها موجود است که این رفیق هرگز پولی به بهروز فرهانی نداده بلکه گرایه تاکسی او را پرداخت کرده است. فرشید فریدونی که از دشمنی و «تخطئه»ی دیگران در بالا می نالد خود در همین حال مرتکب همین خطا می شود؛ یعنی «۱۵ یورو به کسی دادن» با گرایه تاکسی کسی را پرداخت کردن دو امر متفاوت است. منتها برای شخص خرده بورژوائی که حساب ۱۵ یورو را هم بعد از ۷ سال هنوز دارد، رسیدن به هدف با هر وسیله ای که شده مهم است. در حالی که برای انقلابیون سوسیالیست/کمونیست هرگز هدف وسیله را توجیه نمی کند.

به قول تروتسکی: «سوسیال دموکراسی که مارکسیزم را به فحشاء می کشاند و استالینیزم، هر دو دشمن خونی انقلاب پرولتاریائی و اخلاق آن هستند. واقعیت را از روبرو دیدن؛ به دنبال خط حداقل مقاومت نرفتن؛ هر چیزی را به نام واقعی آن چیز خواندن؛ به توده ها حقیقت را گفتن، ولو اینکه این حقیقت تلخ هم باشد؛ از موانع نهراسیدن؛ در چیزهای کوچک مثل چیزهای بزرگ صداقت داشتن؛ برنامه ی خود را بر پایه ی منطق مبارزه ی طبقاتی پی ریختن؛ شجاع بودن در زمان عمل...» - برنامه انتقالی

برای آنانی که آشنا نیستند، تذکر می دهیم که اعضای بنیانگذار «کمپسیون مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری» خود در آن زمان از اعضای «گرایش مارکسیست های انقلابی» بودند که پاییز ۲۰۱۴ از این گرایش انشعاب کردند، لذا به سادگی می توانند گفته های این رفیق را تأیید کنند. اعضای بنیانگذار این کمپسیون دقیقاً به منظور مبارزه با فرهنگ خرده بورژوائی تنیده با بوروکراسی موجود درون سازمان و احزاب چپ استالینیستی/مائویستی -استالینیست های تروتسکیست نما و خرده بورژواهای بوروکراتی مانند فرشید فریدونی، از «گرایش مارکسیست های انقلابی ایران» بیرون آمدند.

فرشید فریدونی اما که این همه عقده‌ی چند ساله بر سینه اش سنگینی کرده بود، خود را در مقابل کسی خراب می کند که اصلاً نقشی در زمینه شکایت او از طرز برگزاری سمینار مذکور نداشت. فریدونی سپس پا را فراتر گذاشته و در باره‌ی جریانات سیاسی مختلف این طور نظرپراکنی می کند: «فلسفه‌ی سیاسی جریان های تروتسکیست مانند جریان های استالینیست از یک سرچشمه‌ی مشترک، یعنی از بلشویسم مشروب می شود که البته مصداق تئوریک آن را آثار غیر مارکسی انگلس متأخر پدید آورده اند. ما این جا با سوسیال داروینیسم، یعنی شکلی از فاشیسم مواجه هستیم. به این معنی که تمامی جریان های بلشویست شرط بقای سیاسی خود را در انهدام رقبای خود می بینند.» در این جمله آشفتگی ذهنی یک خرده بورژوا را به راحتی می توان دید. او انسان را به یاد مجری ها (شومن ها) برنامه های تلویزیونی -مثل برنامه‌ی تلویزیونی بیل مآر (Bil Maher) می اندازد که با به اصطلاح جو دموکراتیک می کوشد تا تمام جنبش ها و نیروهای انقلابی را با چوب سرکوب بوروکراسی استالینیستی بکوبد. عملاً این نوع تبلیغات در کشورهای اروپایی و آمریکا سبب شده تا توده‌ی مردم تحت

ستم از کمونیزم حقیقی و انقلابی بگریزند. این بهترین خدمتی است که فرشید فریدونی می تواند به بورژوازی بکند.

فرشید فریدونی پس از ۷ سال که از آن سمینار کلن می گذرد، هنوز دو موضوع را نتوانسته هضم کند: یکی اینکه او هم مانند بقیه مجبور شده خرج سفر خود را از جیبش بپردازد و به سمینار برود و دیگری اینکه در آن سمینار از بحث بازنده بیرون می آید.

این جا است که تأثیر ایدئولوژی بورژوایی و پایگاه طبقاتی خرده بورژوایی شخص فرشید فریدونی چنان بیرون می زند که بوی تعفن ماهیت ارتجاعی او، خودش را هم در مقابل یک سؤال ساده‌ی رفیق یاشار آذری که چندین بار از او می پرسد «به عقیده شما انقلاب بعدی ایران چگونه انقلابی است؟»، گیج کرده و لذا مجبور می شود تمام پُست را از صفحه‌ی فیسبوک خود حذف نماید. به این ترتیب که وقتی فرشید فریدونی جواب یاشار آذری را نمی‌دهد، این رفیق برای او در کامنت این پُست را می‌نویسد: «جناب فرشید فریدونی بالا بری، پایین بیایی باید این سؤال را جواب بدهی تا من بدانم شما از چه منظری با ما مخالفت می کنید. هر چند با یک نگاه به ۱۵ دفتر «آرمان و اندیشه» به موضع شما تقریباً پی بردم و مخالفت شما هم دقیقاً به این خاطر است که شما به انقلاب سوسیالیستی به طور کل و خصوصاً در ایران معتقد نیستید، پس شما انقلاب بعدی در ایران را چه نوع انقلابی می دانید؟ ما در دویست سال گذشته فقط دو نوع انقلاب داشتیم یا ما در آستانه‌ی انقلاب سرمایه داری هستیم و یا در آستانه‌ی انقلاب سوسیالیستی، و درد شما ناشی از دشمنی با بلشویزم و لنینیزم و تروتسکیزم همین استراتژی انقلابی یعنی انقلاب کارگری -سوسیالیستی با تکالیف مرکب می باشد و برای کوبیدن بلشویزم، لنینیزم و تروتسکیزم سعی دارید این ها را با استالینیزم در یک کیسه بکنید.» در نتیجه فرشید فریدونی که خود را تحت فشار برای گرفتن موضع می بیند مجبور می شود که

پُست را حذف کرده و موضوع را به فراموشی بسپارد. فرصت‌طلبی نیز جنبه‌ی دیگری از فرهنگ بوروکراتیک خرده بورژوازی است که خیال می‌کند هر آنچه از دیده برود، از یاد هم خواهد رفت.

آنچه مسلم است این است که فرسید فریدونی، از جمله خرده بورژواهای مرفه‌ای است که تنوری را برای گمراه کردن افکار نیروهای انقلابی و به انحراف کشیدن مبارزات انقلابی در به ثمر رسانیدن انقلاب سوسیالیستی بکار می‌گیرد. او نیز مانند تنوریسین‌های بورژوازی و تبلیغات دستگاه امپریالیستی، ایدئولوژی‌های چپ خرده‌بورژوازی را با تنوری‌های علمی و انقلابی مارکسیستی در یک کفه گذاشته و خود در کفه‌ی جبهه‌ی بورژوازی با کوشش در منفعل کردن کارگران پیشرویی انقلابی از مفاهیم انقلابی مارکسیستی در تحلیل از شرایط سیاسی روز و موقعیت اردوی کار در مقابل اردوی سرمایه، خوش خدمتی خود را به بورژوازی ایران و سرمایه داری جهانی امپریالیستی به اثبات می‌رساند، تا با این آب گل آلوده، کیش شخصیتی را که برای خود ساخته همواره پیرواند و در مسافرت‌های موتورسیکلتی خود، به آنانی که در دام بحث‌های بی‌سر و ته او افتاده اند، بخندد.

این حقایق ممکن است باز هم او را عصبانی کرده و به واکنش بکشد، اما این کمیسیون از روی فرصت‌طلبی نمی‌تواند سکوت اختیار کرده و به او اجازه‌ی برخورد‌های بی‌بند و باری مانند کامنت‌های نقل شده در بالا را بدهد. به عقیده‌ی ما سکوت در مقابل جاه‌طلبی بوروکراتیک و از نظر فرهنگی عقب‌افتاده و غریبه با فرهنگ انقلابی طبقه‌ی کارگر از جانب هر عنصر یا گروهی، دشمنی با انقلابیون سوسیالیست/کمونیست است.

۲۳ ژانویه ۲۰۲۰

۳ بهمن ۱۳۹۸